

بیماری کووید ۱۹، جامعه جهانی، ملاحظات اخلاقی

دکتر داریوش فرهود
سر دبیر

۴. فراوانی آسیب و مرگ و میر به تناسب وسعت کشور، تعداد جمعیت، تراکم جمعیت، مرکزیت، تحرک منطقه‌ای، تعداد مبتلایان و تعداد فوت شدگان، همگی شاخصه‌های بسیار قابل تفسیر و مهمی هستند.

۵. نسبت فوت شدگان به مبتلایان، در کشورهای مختلف، متفاوت است، مثلاً تا کنون بیشترین نسبت در انگلستان، آمریکا، ایتالیا، اسپانیا، فرانسه، روسیه... (حدود ۱۰٪) بوده، در حالیکه در کشورهای اروپای شمالی و آلمان بسیار کم است. این نسبت از یک سو شاخص قانون‌پذیری / قانون‌گریزی و از سوی دیگر برنامه‌ریزی، آمادگی و تأمین امور درمان بموقع بیماران است.

۶. شاخص همدلی ملت با دولت، اعتماد و اعتقاد مردم به دولت، شفافیت آمار و قبول مردم، در چنین همه‌گیری‌ها یا خطرات حاد دیگر از این قبیل، به خوبی نمایان می‌شود.

۷. شاخص دیگری که در این همه‌گیری به چشم می‌خورد، تفاوت رفتاری مردم در دو زاویه متفاوت فرهنگ (Culture) و تمدن (Civilization) است که بی‌تردید شاخص فرهنگی بسیار قوی‌تر و کارآمدتر عمل می‌کند. این همان نکته‌ای است که در کشورهای اروپایی به خوبی دیده شد.

۸. مسئله پناهندگان در اردوگاه‌ها، بسیار مهم و حائز توجه مقامات بهداشت کشور مربوطه است. البته هنوز آمار مقایسه‌ای بین این جمعیت و مردم محلی، منتشر نشده است.

۹. مسئله سالمندان مقیم خانه‌های سالمندان بسیار حساس است، بویژه که گزارش‌های تکان‌دهنده‌ای از برخی کشورها، از جمله انگلستان ثبت شده اند.

۱۰. چالش بسیار گسترده و چشم‌گیر، همان مشکل قرنطینه است. در اینجا سه موضوع بسیار مهم، خودنمایی می‌کنند: اول: مهارت‌های زندگی (Life Skills) دوم: سازش‌پذیری (Adaptability) و سوم: تاب‌آوری (Tolerance, Resilience).

۱۱. در برخی از کشورها که مردم شیوه‌های همزیستی گرم خانوادگی را از یاد برده‌اند (مانند فرانسه و انگلستان...) ارقام تأسف‌باری از خشونت‌های خانوادگی، بویژه همسرآزاری و کودک‌آزاری،

در دو سده گذشته، درگیری جهانی با بیماری‌های واگیر (باکتریایی و ویروسی) در کنار جنگ‌های جهانی اول و دوم بود. بالاخره پس از کنترل و مدیریت این بیماری‌ها، در ۴-۵ دهه گذشته، توجه به پیشگیری و درمان بیماری‌های غیرواگیر، بویژه چهار گروه اصلی: قلبی - عروقی، سرطان‌ها، متابولیک (دیابت، چاقی) و روانی، هدف اصلی سیاستگذاران سلامت جهانی شد.

اینجانب نیز در نوشته‌های چهل سال گذشته خود، به سه موضوع اشارات متعدد داشتم، اول: اصلاح سبک زندگی (ساده و سالم) برای پیشگیری از گروه بیماری‌های غیرواگیر، دوم: هشیاری نسبت به همه‌گیری بیماری‌های ویروسی، که واقعا دشمن شماره یک بشریت هستند و سوم: توجه به بیماری‌های ژنتیکی و البته اپی ژنتیک.

متأسفانه با شعله‌ور شدن بیماری کرونا، جامعه بشری با پدیده‌ای بسیار سهمگین و ناگهانی روبرو شد که اثرات ویرانگری بر اقتصاد، اجتماع و حتی روان مردم در کلیه کشورها، از فقیر و غنی، گذاشته است، شاید بتوان سخن از جنگ سوم جهانی گفت و حتی خطرناکتر. یادآوری و توجه به چالش‌های جهانی به قرار زیر است:

۱. با افزایش جمعیت جهان و گذشتن از مرز ۸ میلیارد نفر، نیاز بیشتر مردم به منابع غذایی، تبدیل به چالش جهانی شده است. خطر استفاده از مواد غذایی مشکوک و آلوده و زیان بخش، چه در مورد بیماری‌های مشترک بین انسان و جانوران و چه در مورد مواد غذایی تراریخته و استفاده از مواد نگهدارنده و بالاخره غذاهای آماده، بیشتر شده است.

۲. تغییرات شدید و سریع در سبک زندگی و الگوهای جدید زندگی (خواب، تغذیه، اشتغال، تحرک، خانواده، تفریحات...) باید با جدیت مورد مدیریت و پایش سیاستگذاران سلامت و اقتصاد جامعه قرار گیرد.

۳. در فضای پس از کرونا، بیکاری مردم، فقر و تنگدستی گروه عظیمی از مردم جهان، موجب بالا رفتن نرخ خشونت، (فردی، خانوادگی، اجتماعی) فساد، زورگیری، حتی بین ملت و دولت و همچنین بین کشورها و بروز جنگ‌های سرد و گرم خواهد شد.

مشهود است. این چالشی است که جامعه شناسان، مردم شناسان، رفتارشناسان بویژه متخصصان در امور اخلاق فردی، اخلاق حرفه‌ای و اخلاق اجتماعی باید با سرعت و شدت به آن بپردازند.

۱۸. جدا از کارگروه‌های حل فوریت‌ها و نیازهای کنونی، باید اطاق فکرهای سازمانی و کشوری، در فضای کاملاً علمی (بدون توجه به رانتهای سیاسی، جناحی، مذهبی، فرقه‌ای، قومیتی و ...) برای برنامه‌ریزی و آینده‌نگاری (Forecasting) کوتاه مدت، میان مدت، دراز مدت، همچنین هشیاری و مبارزه شدید با شکل‌گیری مافیاهای حرفه‌ای، بازاری و قاچاق و احتکار (خصوصی یا گمرکی) بسیار ضروری است.

۱۹. اکنون که این زلزله ویروسی، ساختمانهای چند طبقه (غربی‌ها) و خانه‌های یک طبقه (شرقی‌ها) را یکسان ویران کرده است، می‌توان با اخلاق، ایمان، امید، و پشتکار به بازسازی اقتصادی و اجتماعی کشور، پرداخت و فاصله‌های جهانی و منطقه‌ای را کم کرد. همان گونه که پس از جنگ دوم جهانی، دو کشور با بیشترین ویرانی و خرابی (آلمان و ژاپن) در چند دهه، تبدیل به قدرت‌های بزرگ جهانی در اقتصاد و صنعت شدند.

جهانی ببینید ولی ملی عمل کنید

با آرزوی اینکه جامعه جهانی، از جمله میهن عزیز ما ایران، این فاجعه را که موجب دگرگونی‌های بی‌شمار در همه زمینه‌های زندگی شده، با موفقیت و مدیریت اخلاقی پشت سر بگذارد و نیز آمادگی‌های لازم برای رو در رویی با فجایع احتمالی آینده را، پیدا کند. ملت شریف ایران، ویرانی‌های بزرگی را چون حمله بیگانگان، زلزله، سیل، تحریم‌ها و همچنین جنگ هشت ساله را با آن همه ویرانی، دلبرانه پشت سر گذاشت، این بار هم موفق بیرون خواهد آمد.

گزارش می‌شود. همچنین پدیده افسردگی در افراد خانواده بسیار آزاردهنده شده است.

۱۲. در عوض پدیده بسیار جالب توجه و دلپذیر اینکه، در کلیه کشورهایی که مدیران کشور (رییس جمهور یا نخست وزیر یا رئیس ستاد مقابله با این بیماری) از بین زنان هستند، ارقام بیماران و فوت شدگان بطور چشمگیری، پایین‌تر است. این خود نقش مدیریت و کارآرایی زنان نه تنها در مسائل اجتماعی، سیاسی، کشوری، بلکه در چنین ایپدیمی‌ها را نشان می‌دهد. این همان مفهوم و باور و جاذبه مهربانی مادرانه است.

۱۳. دگرگونی شدید در امر آموزش، در همه مقاطع، از دبستان تا دانشگاه، با بکارگیری روشهای مجازی، یک نوآوری غیر منتظره با دوروی یک سکه است. شکی نیست که در وضعیت موجود این یک راه حل یا راه فرار از مسئله است. ولی برای رشته‌هایی که نیاز به کارورزی عملی دارند، مانند: آموزش‌های فنی بویژه امور بالینی پزشکی، این یک مشکل بزرگی خواهد بود. همچنین برای گروه‌های بدون دسترسی به امکانات مجازی (روستاهای، خانواده‌های نیازمند...) مشکل جدیدی خواهد شد.

۱۴. ماندگاری در خانه (قرنطینه) گذشته از زوایای روانشناختی، مشکلات سلامتی دیگری، از قبیل عدم تحرک و چاقی بویژه در زنان و کودکان، به‌مراه خواهد داشت. حتی بطور معنی داری در خرید مواد غذایی (از یک سو تنگدستی از سوی دیگر پر خوری) اثرگذار است. حتی اعتیاد به مواد مخدر نیز افزایش داشته است.

۱۵. نظریه‌ها و فرضیه‌های جهانی شدن (Globalization)، در مقابل منطقه‌ای شدن و حاشیه‌ای شدن (Marginizaion & Regionalization) در محدودیت‌های مسافرت‌های بین المللی و همکاری‌های جهانی، بسیار مشکل آفرین خواهد شد و شاید باید، برای جهانی شدن، تعریف جدیدی ارائه شود.

۱۶. آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی، گذشته از صنایع خودروسازی، هواپیما سازی، هتل داری، غذاخوری‌ها، در امور فرهنگی از قبیل گردشگری داخلی و خارجی و گردشگری پزشکی و حتی صنایع دستی، بسیار مخرب است.

۱۷. ولی اصل مسئله و عنوان اصلی این نوشتار، هشدار در مورد جابجا شدن ارزش‌های اخلاقی است که در همه موارد یادشده، کاملاً